بسم هدیه ارباب ترجم جناب محترم
دار شهرداری علی شیدا در کتابخانه تقدیم گردید
۹ آذرماه ۱۳۰۸

ایرانیان

تصنیف اشیل یونانی

ترجمه

علی اصغر شمیم همدانی

حق طبع محفوظ و مخصوص به مترجم است

مطبعهٔ برادران باقرزاده

شرح زندگانی اشیل و مقام ادبی او

اشیل [۱] فرزند افوایون (۲) در سنهٔ ۵۲۵ قبل ازمیلاد در الوزی (۳) متولد شده و در سنهٔ ۴۵۶ قبل ازمیلاد وفات کرد هرودت مورخ یونانی میگوید اشیل دوبرادر داشت یکی سینژیر (۴) که در جنك معروف ماراتن بعد از رشادتهای زیاد کشته شد و دیگر امینیاس (۵) که‌اونیز درجنك سالامین خدمات زیادی بقشون یونان نموده و افتخار فتح را برد . خود اشیل درجنك ماراتن مجروح شد یادکار این جنگها همیشه درخاطر او بوده چنانچه درروی قبر خود این جمله را نقش کرده‌است:

۱-Eschyle ۲-Euphorion ۳-Eleusis ۴-Cynégire
۵-Aminias

« این قبر اشیل است . فرزند افوریون . ازاهل آتن که در جلگه حاصلخیز ژلا (۱) زندگانی را بدروز گفته : جنگلهای انبوه ماراتن وسربازان رشید ایرانی شجاعت اورا تصدیق میکنند زیراکه آنها اورا بخوبی دیده ومیشناسند .»

معلوم نیست اشیل اولین قطعه تیاتر اخلاقی را درچه زمانی تصنیف نموده ولی درطی زندگانی تیاتر نویسی سیزده مرتبه باخذ سنك مرمر پارس (۲) که درآنزمان نشانه فتح وفیروزی بوده است نایل گردیده ورویرهمرفته بالغ بر نود قطعه تیاتر تصنیف کرده که فقط هفت قطعهٔ آن دردست است

مورخین درخصوص مسافرتهای اشیل بجزیره سیسیل وشهر سیراکوز (۳) حکایات مختلفه ذکر کرده اند که بنظر محققین هیچیك صحیح نیست بعضی گویند اشیل در یکی ازمسابقه های اخلاقی

---

۱ -Géla یکی از شهرهای سیسیل ۲- Paros

۳- Syracuse پایتخت سیسیل بوده است

ازهمعصرخود سوفکلس(۱) عقب ماند لذا رنجیده خاطر گشته بطرف سیراکوز مهاجرت نمود ودر آنجا مدتی در نزد هیرن (۲) حکدار سیراکوز بنوشتن قطعه بنام اتنا (۳) مشغول گردیده ودوباره باتن برگشته وبالاخره چیدین بار ازآتن بسیراکوز مهاجرت کرده است واین قسمت مسافرتهای اشیل یك جزء تاریکی اززندکانی اورا تشکیل میدهند

اشیل در سرتاسر زندکانی خود با قلم توانا وافکار بلند برضد مفاسد اخلاقی واجتماعی جامعهٔ آتن مبارزه کرده ودر فجر تاریخ و عصری که هنوز قوای عقلی وفکری بشر رشد ونمو کامل نکرده بود این شاعر بلند پایه بوسیله تصنیف قطعات گرانبهای اخلاقی احساسات شور انگیز ملت خودرا تهییج نموده وحس شهامت وشجاعت را در افراد یونانی ایجاد کرده است ـ قطعات

۱- Sophocle یکی از تیاتر نویسان معروف آنعصراست

۲-Hiéron

۳-Etna یکی از ولایات سیسیل است

او کاملا طبیعی است ـ در تجسم اشخاص بقدری مهارت بخرج داده وبطوری وقایع را طبیعی بیان کرده است که نمایش قطعات او تاثیرات عمیقی درمردم باقی گذاشته وبحسب موضوع تیاتر کاهی آنهارا بشوق وشعف وادار نموده وزمابی علامات غضب وحس وطن پرستی وشجاعت را درچهره آنها نمودارساخته است !

قطعهٔ ایرانیان که ازشاهکار های اشیل و یکی از قدیمتربن قطعات تیاتری است که یکواقعهٔ بسیار مهمی تاریخی را بیان میکند در اثر جنگهای ایران ویونان برشته نظم درآمده وتنها حس ملی تعصب است که این شاعر عالیمقام را بنوشتن آن وادار نموده است !

اشیل جنگهای ماراتن وسالامین را بچشم خود دیده و تمـام وقایع را بخوبی فهمیده است در اثر کشته شدن برادرش سینژیر بهیجان آمده ودر نتیجه برای تجسم احساسات وطن پرستی و از

طرفی هم بیان مغلوبیت ایرانیان و تأثیر این مغلوبیت دردربار شوش قطعهٔ ایرانیان را تصنیف نموده و در سال ٤٧٣ در آتن بمعرض نمایش گذارده است ! و ضمناً چنانچه بعضی از محققین نیز عقیده دارند اشیل برای اینکه واقعهٔ جنك‌را در نظر بینندگان تیاتر مهم تر از آنچه بوده جلوه دهد یکعده اسامی ساختگی بدان افزوده ونیزاز بیان بعضی جملات مبالغه آمیز ونسبت دادن بعضی ازمعتقدات مذهبی‌به‌ایرانیان خودداری نکرده‌است ! در هر صورت این قطعه که نویسندهٔ آن معاصر با سلاطین هخامنشی بوده و موضوع آنهم فقط ایران وایرانیان است برای ما مهم بنظرمیاید

اصل این قطعه وسایر قطعات اشیل بصورت شعر بوده ولوئی هومیرت ازیك نسخه فرانسوی که آنرا نیز فرانسواران کابریل (١) از اصل

١-Francois-Jean Gabriel de la porte de Theil

یونانی ترجمه کرده است بدست آورده و بصورت نثر در آورده ضمناً بعضی تصرفات هم در آن کرده است .

نگارنده با رعایت انکه در اصل موضوع تصرفاتی بعمل نیا ید آنرا از نسخه لوئی هومبرت ترجمه کرده و ضمناً بعضی توضیحات و حواشی از کتب دیگر بدان افزود تا مطالب واضحتر گردیده و مقصود اصلی از ترجمه بعمل آید !

(علی اصغر شمیم)

مقدمه

حکومت دموکرات آتن در سایه فعالیت وتجربه آزمودگی سر داران لایق‌قدرت ونفوذ خودرا توسعه داده از دریای اژه (بحر الجزایر) عبور نموده برسواحل غربی آسیای صغیر و جزایر مجاور آن تسلط یافته بودازطرف‌دیگر قدرت‌استبدادی داریوش اول هخامنشی لشگر نیرومندی چون دریای مواج بطرف ممالك غربی آسیا کسیل داشته وبیرق‌ایران را تاآنطرف رود هالیس (قزل ایرماق امروزی) به‌اهتزاز در آورده بایونان همسایه وهمجوارشده بود ! یونانیان بوسیله مهاجرت جزایر مجاور آسیای صغیررابه‌تصرف خود در آورده و شاهنشاه ایران می خواست‌باقوای بی‌شمار خود نفوذ انهارا قطع نموده وبلکه اگربتواند تاقلب خاك دشمن پیش برود !

درسال ۴۹۰ قبل از میلاد داریوش لشگری بعده

صدهزار نفر در تحت فرماندهی داتیش(۱) و آرتافرین (۲) ازراه بابل ومعابر شمالی آسیای صغیر روانه یونان نمود این لشگر تمام ولایات سواحل شمالی وقسمتی از سواحل جنوبی آسیای صغیر وجزایر مجاور را تصرف کرده از تنگه هلسپن (۳) عبور نموده خودرا بمقدونیه رسانیدند - شاه مقدونی فیلیپ (٤) اطاعت پادشاه ایرانرا نموده راه را بر روی لشگریان او باز نمود. ایرانیان بعد ازفتوحات پی در پی خودرا خلیج مجاور جزیره ابه آ رسانیده منتظر حریف شدند ! از طرفی همرفرمانده یونانی میلیتادس (٦) درکنار خلیج بانته لیك (۷) بالشگر ایران مصادف شده مغلوب گردید . درروز ۱۲ سپتامبر ٤۹۰ در موقعیکه نیمه ازلشگریان ایران بکشتی سوار شده ونیمهٔ دیگر در سواحل بودند دقعة سردار آتن باقشون خودبرانها

۱-Datis ۲-Artapherne ۳-Héllespont داردانل

٤-Philipe ٥- Obée جزیره مجاور ساحل شرقی یونان

٦-Militiades ۷,Panteliqne خلیجی است درمشرق یونان

تاخته بی نظمی درلشگر ایران روی داده ولی مقاومت نمودند !

نیمه لشگر ایران از راه دریا پیش رفتند ولی سردار یونانی میلیتادس باقوای بحری بجلوگیری آنهاشتافت - کشتی های ایران باهمه پافشاری وثبات بالاخره بواسطه تنگی راه وپیچ وخمهای جزایری که معروف آنها نبودند درهم ریخته - جنك بحری بفتح یونان تمام شد بقیه کشتی ها بخلیج ماراتن نزدیك گردیده آخرین جنك بحری درآنجا روی داده ایرانیان بکلی مغلوب شدند . ولی مقصود شاه ایران بعمل آمد یعنی نفوذ او تامقدونیه نیز تحکیم گردید .

ده سال بعداز این جنگ خشایار شافرزند داریوش در راس یك لشگر بی شمار و هزار ودویست کشتی تامرکز یونان پیش رفته بود - سردار لشگر بری ایران ماردینوش (۱) بموازات ساحل شرقی یونان

۱-Mardonius

پیش رفته خودرا باتن نزدیک گردانید - لشگر بحری نیز از خط ساحلی جلوآمده در اطراف جزیره سالامین جمع شدند - آتنی‌ها بسرکردگی تمستکل (۲) عده زیادی کشتی‌در پیچ وخم جزایر جنوبی تهیه کرده بودند- درموقعیکه ایرانیان‌باتش‌زدن آتن مشغول‌بودند وخشایارشااز بالای تپه اوضاع‌را مشاهده می‌کرد دفعه‌کشتی‌های‌یونان‌به‌کشتی‌های ایران حمله کرده از طرفی بواسطه کثرت عده وازطرفی بواسطهٔ بلد نبودن راه های‌دریائی ایرانیان بکلی ازپای درامده جز اندکی از آنها باقی نماندند - خشا یارشا هم این وقایع رادیده قشون بری را برداشته عقب رفت وپس‌از تحمل صدمات زیاد باسیا برگشت این‌جنگ که در سال ۴۸۰ قبل از میلاد واقع شد معروف بجنگ سالامین (۳)است که بالاخره بفتح یونانیان خاتمه‌یافت

۱- Témistocle ۲- Salamine

جزیره است در قسمت جنوبی شبه‌جزیره‌یونان درخلیجی‌که بهمن نام موسوم‌است .

نتیجه جنگهااین شد که از انیزمان ببعد دیگر یونانیان از شنیدن نام پادشاهان هخامنشی برخود نلرزیده وبالاخره توانستند در قرون بعدنفوذخودرا تاداخله در بار ایران نز پیشرفت وتوسعه دهند

﴿ اشخاص تیاتر ﴾

۱ ـ پیران دربار ـ مجمعی از اشخاص که بحسب سن ومقام مختلف هستند .

۲ ـ آتوشا ملکهٔ ایران ـ زن داریوش مادر خشایارشا .

۳ ـ سرباز قاصد ـ سربازی که خبر مغلوبیت خشایارشا را بدربار می‌آورد .

٤ ـ تجسم روح داریوش

٥ ـ خشایارشا پادشاه ایران وفرزند داریوش هنکامیکه ازجنك برمیگردد،

صحنه نمایش قصر مجلل وبا شکوه پادشاهان هخامنشی را که در پایتخت آنها شهر شوش است

نشان میدهد که قبر داریوش هم از یکطرف آن قراردارد .

پیران دربار

ایرانیان مارا فدائیان شاهنشاه میگویند ـ ما نگهبانان این قصر مجلل باشکوه هستیم . خشایارشا شهریار وبزرگوار ما محافظت قصر را بما پیران آزموده واگذار نموده است اما نمیدانیم این چه الهام تأثر آوری است که بقلب ما میشود گوئی روح ما از برگشت شاهنشاه ولشگریان نیرومندش بیم و هراس دارد ـ آسیا تمام قوای خودرا بکار برده تا شاهزادهٔ جوان را بفریبد هیچ قاصد و پیغامی تا کنون از او به پایتخت بزرك ما نرسیده است !

ساکنین شهر های بزرك شوش واکباتان ! آنهائیکه خندق بزرك سیسیا (۱) را کندند !

۱- Cissia خندقیست که برای گرفتن شهر بابل کندند

شاهزادگان جوان و غیوری مانند همستاد (١) و آرتافرین (٢) و بغابازو (٣) وهشتاسپ (٤) این شاهانی که مطیع ودست نشانده شاهان بزرك هستند ـ کماندارانِ ماهر جنك آوران شجاع وسرداران غیوری چون آرتیمسار. (٥) سردار فعال وجدی لشگر وماسیشتا (٦) فرمانده لایق وفروناد[٧] وایمه (٨) کمانداران استاد ساستان (٩) مربی اسب های خوب وکسانیکه ازدره حاصل خیز نیل آمده اندمانندسوزیسکان (١٠) وپگاستاگن [١١] زائیده مصرقشنك . وحکام قابل مثل آرشامار (١٢) حاکم شهر مقدس منفیس(١٣) وآریومرد(١٤)

---

١ — Amistrès ٢— Arthapherne ٣ — Mégabise ٤ — Astasp ٥ — Artembarés ٦ — Masistrés ٧ — Pharandace ٨ — Imée ٩ — Sasthane ١٠— Sausiscane ١١ — Pégastagon ١٢ — Arsame ١٣— Menphis ١٤—Ariomarde

فرمانده شهر بتس (۱) قدیم همگی بمیدان جنك رفته اند.

ملاحان وکشتی بانان بیشمار مصری؛ و اهالی عیاش وتن پرور لیدی (۲) و ساکنین قطعهٔ که مطیع ساتراپ بزرگ مهرکات (۳) در ستکار هستند نیز شاه بزرك را پیروی کرده‌اند.

شهر پر ثروت سارد (٤) هزاران مرد جنگی ارقلب خود خارج ساخته وباعرابه های دواسبه و سه اسبه بمیدان جنك فرستاده است.

ساکنین واهالی کوه مقدس تمولوس (٥) و ماردن (٦) وتاربیز (۷) و اهالی میزی (۸) که

۱- Thébes ازشهر های مصر ۲ - Lydie قسمتی ازآسیای صغیر که پایتخت آن سارد بوده وبدست کوروش اول هخامنشی مفتوح گردیده است ۳ - Metragathe ٤ - Sarde - ٥ Tmolus - ٦ Mardon - ۷ - Tharbis کوه های مذکور جزء رشته جبال تروس است که در قسمت غرب و شمال غربی آسیای صغیر کشیده شده است وهمان بزداغ حالیه

از زوبین هـا مسلح هستند همگی آماده جنك شده اند به گمان اینکه یونان بزودی سر اطاعت را درمقابل آنها خم خواهدکرد

شهر ثروتمند بابل بسیاری از جوانهای رشید و کمـانداران ماهری که مخصوص بـاو هستند فرستاده و بفرمان شاه بزرك تمام آسیـا مسلح گشته‌عازم‌جنك شده‌اند.

امـا مامی توانیم ببینیم که جوانی و اقتدار این سر زمین پایمـال میشود ! سر زمینی که از آن معاش میکنیم افسوس باید و گریه ـ مادران و نو عروسان از فراق فرزندان و شوهران خود دلتنك هستند ! لشگر پایتخت ـ همان لشگری که همیشه بیرق فتح وفیروزی را باهتزاز در آورده است بوسیلهٔ زورق هائیکه باطناب بهم بسته شده و

میباشد . ۸ ـ Mysie یك قسمت از ساتراپی های ایران قدیم بوده واقع درگوشه شمال غربی آسیای صغیر که تاحدود تنگه داردانل امتداد داشته‌است

بفرمان شاه بزرك بروی دریا اندخته اند از تنگهٔ دختر آتاماس (۱) عبور کرده اند .

اسلاف پاك نژاد فرخندهٔ ایرانی که فرمانفرمای آسیای حاصلخیز هستند آنهائی که همواره رعایای خودرا به وفاداری وشجاعت تحریص مینمایند بایك شور وهیجان از دریا وخشکی بیونان حمله کرده‌اند. این لشگر چون اژدهای خشم آلودی باروپا رهسپار گردیده همان لشگری که دارای هزارها بازوان قوی وزور مند وصدها زورق و کشتی است

لشکری که تمام عرابه‌های مسلح سوریه راباخود برده ! بر ضد یك ملتی که جنگیان آن دارای نیزه وتیر وکمان نیستند !

همچه ملتی نمی تواند در برابر این امواج سهم

---

(۱) ــ Athamas پادشاه بئوتی Béotie (قسمتی از یونان) است که دختراو Hellé درتنگه داردانل غرق شده‌ونام اورا باین دریا داده تنگه Hellésqont گفته‌اند (متیو لوژی)

اگین مقابله کند هیچ سد محکمی نمیتواند از این سیل بنیان کن جلوگیری نماید !

اما کسی هست که این دام فریبنده شومی را که طالع برای این سرزمین فراهم کرده است برهم زده با قدمهای سبك وفکر روشن آنرا استقبال نماید ! او نهایت فریبندگی خودرا بکار برده مردان جنگی رادرتار و پود خود چنان بهم خواهد پیچید که هیچ قوه نتواند آنرا مرتفع سازد ! تقدیر ومشیت خدائی شوکت واقتدار را برای ایرانیان نصیب کرده فتح وفیروزی رابادست جوانان شجاع وغیوربه آنها بخشیده است .

لشکریان ما بادریای مواجی که از وزش سریع بادکف سفید بلب آورده است درکشمکش هستند وبه طنابهای نازك وکشتی های بی ثبات اطمینان کرده خودرابامواج دریا سپرده اند .

پیراول:

باین خیال بیم وهراس روح مرا تیره کرده است وای برلشکریان ایران هیچوقت شهر پرجمعیت شوش

خودرا بدون مدافع ندیده والبته او این کلمات راهم درك نخواهد کرد .

وای برلشکریان ایران - افسوس که دیوارهای شوش فریاد دلخراش زنهارا نمی شنوند وبگریه آنان اعتنائی نمی کنند .

سواران و سربازان مانند دسته‌های زنبور شاهزاده جوان خود را دنبال کرده واز پلی که روی امواج بی رحم دریا انداخته اند خودرا بقطعه دیگر رسانیده اند .

برای شما - ای ایرانیان باوفا - که در این قصر مجلل گردهم آمده‌اید احتیاط وعقل لازمست اما نمیدانم چه شده است به خشایارشا شهریار مایکانه فرزند داریوش فرزند این پدرمهربان - آیا گمانداران قوی پنجه او مغلوب شده اند یاضربت نیزه های آهنی اورا محوکرده است ...!

پیر دوم:

به بینید به‌بینید گوئی آفتاب باانوار خدائی بلا

میرود - مادر خشایارشا ستاره شبیه بچشم خدایان پیش می‌آید ! ملکه خورا ستایش کنیم ....!

پیران

سلام‌ای ملکه ایرانیان - مادر پیر و محترم خشایارشا - همخوابه داریوش - تومادرخدای ایرانیان هستی - خداکند که اقتدار وعظمت ما محفوظ بماند . (پیران همگی بخاك افتاده ملکه شروع بسخن مینماید :)

آتوسا

از قصر زرین خودم و از اطافیکه خوابگاه من و داریوش بود بادل غمگین بیرون می آیم غم واندوه روح مرا خسته کردند - بیم و هراس دل مرا می شکافد دوستان باوفای من ثروت ما ممکن است از دست رود قوه وقدرتی که داریوش بکمك خدا بدست آورده محو و نابود کردند - گنج بدون رعیت قدر وقیمتی ندارد و بدون گنج همروزهای خوب و شوکت و اقتدار پایدار نخواهد ماند ! من برای چشم درخشان این قصر فرزندم حشا یارشا در بیم و هراس هستم - آه ای پیران باوفا مرا تسلی دهید

تنها سخنان شماست که‌میتواند اضطراب مرا تسکین نماید از سلامتی فرزندم مژده دهید ...

پیران !

آنچه از دست مادر قول وفعل ساخته است بیک اشاره تو خواهیم کرد !

آتوسا

فرزندم لشگریان خود را جمع کرده به یونان رهسپار گردید تا آن قطعه را مطیع خود نماید هر شب خواب بچشم من می آید ولی در تمام این مدت چون شب گذشته خود را پریشان و خوفناك ندیده بودم گوش کنید تاخواب خود را برای شماییان کنم:

دو زن را دیدم که یکی بطرز ایرانی و دیگری باسلوب دری (۱) لباس پوشیده دارای قامت معتدل

---

(۱) - Doride یك قسمت ازیونان قدیم بوده در شمال آن‌مملکت و دری هااهالی وساکنین این‌قسمت بوده اند که‌یکی ازریشه‌های اصلی قوم هلن Helléne

بودندو شباهت ظاهری آنها رادختران یك پدر معرفی می
برد ولی تقدیرات مسکن یکی را یونان و دیگری را
(اجنبی)(۱) نصیب کرده بود. درمیان آنها نزاعی شد فرزندم
خشایارشا در حالیکه برعرابه مجللی سوار بود برای

را تشکیل می دادند و اسلوب دری در اینجا مقصود
همان طرز لباس مخصوص به دری است

(۱) - اجنبی یا Barbares - رومی‌های قدیم کلیه
اقوامی را که خارج از محیط مملکت آنها بودند
اجنبی می گفته درواقع بمعنی بیگانه بود. مولف یونانی
این کلمه را برحسب تقلید برای ایرانیان و قشون
آنها اصطلاح کرده و مقصودش از بار بار نژاد اقوام
آسیائی است و بعداً این کلمه به اقوامی داده شده است
که امپراطوری روم راتجزیه نموده و دولتهای دیگر
در اروپا تشکیل داده اند مانند هن . ژرمن . ولی
بواسطه خصایصی که رومی ها برای اقوام فوق الذکر
قایل بودند بعدها اروپائیان بکلیه اقوام نیمه متمدن لفظ

ساکت کردن آنها حرکت نمود یکی از ان د ـ دختر او را اطاعت کرد ولی دیگری متغیر شد با دستهای قوی پنجه خود پایه های عرابه را در هم شکست فرزندم بر زمین افتاد داریوش نزد او ایستاده بود خشا یارشا پدر را دید وجامه های خود را پاره کرده من دستهارا در آب روان فرو بردم غلام‌ها! باتقدیمی وهدایا از عقب من می آمدند بعد بمحراب نزدیک شدم برای اینکه‌هدایای خود را به خدایان نگهبان تقدیم نمایم (۱) دراینوقت دیدم عقابی از خورشید تابان جدا شد وبزودی یك کرکس قوی پنجهٔ باپرش سریع خود را بروی عقاب انداخته سر او را بر کنده بدور افکند ! این بود خواب من ـ هرگاه اینطور

باربار اطلاق کردند . ۱ ـ چنانچه گفتیم این گونه تصور خدایان وقربانی بردن بمعابد وغیره مواقق دین زردشتی نبوده و بلکه باشیوه فکر دینی یونانی ادا شده است .

باشد فرزندم در خطر است ـ اگر او زنده باشد همیشه در این‌سر زمین پادشاهی خواهد کرد .

پیران

مارا یارای سخن گفتن نماند وانگهی گفته‌های ما تسلی‌برتو نتواند بخشیدولی آنچه‌صلاح اندیشی‌است باید عرضه داریم: رفع این مصیبت را از خدایان بخواه ـ امر بده شراب مقدس به‌زمین‌بپاشند همچنانکه ات داریوش را قسم بده تا بر تو ظاهر شود از او تقاضا کن که از اعماق زمین برای تو و فرزندت طالع نیك فرستاده و در قلب شبهای مخوف افکار پریشان را از تو دور نماید این است نصایح ما که بتو می‌گوئیم امید است که عاقبت کار بخیر باشد !

آتوسا

آه ـ خوب تعبیر نمودی آری امید است عاقبت خیر گردد تو بجای من وفرزندم فال‌نیك زدی ! من میروم که به نصایح شما عمل کنم و بخدایان و

ارواح قربانی نمایم اما بگوئید شهر آتن(۱) درکجا واقع است ؟

پیران

خیلی دور آنجائیکه خورشید تابان غروب میکند!

آتوسا

چه میل ورغبتی است که فرزندم را به تسخیر آنجا وادار نموده است ؟

پیران

اگر آتن تسخیر گردد تمام یونان مطیع فرزندت خواهد شد !

آتوسا

یقیناً لشگریان آتنی بیشمار هستند ؟

پیران

آنهائی هستند که صدمات زیاد بمادی (۲) وارد آوردند .

---

۱ - Athénes مرکز حکومت دموکراسی یونان منشأ ومولد دانشمندان زیاد بوده ودر قدیم اهمیت فوق‌العاده داشته است ۲ - Médes

آتوشا

آیا ثروت ومال زیاد دارند ؟

پیران

آری آنها هم دارای مینه‌های (۱) نقره وگنج فراوان میبـا شند.

آتوشا

نوع اسلحه آنها چیست ؟

پیران

شمشیرهای تیزی وسپرهای محکم دارند

آتوشا

رئیس آنها کیست ولشکررا کی فرمان میدهد ؟

---

۱ ــ در آنزمان واحد نقدی ایران تالانت Talante بود وآن دو نوع داشت سنگین و سبك سنگین آن قریب ۶۰/۶ کیلوگرم وزن داشت ــ داریوش سکه های ایران را مرتب کرده تالانت را ۶ قسمت نمود وهرقسمت را مینه نام گذاشت و $\frac{۱}{۶۰}$ مینه را شکل میناءدند.

پیران

آنجاآزادی‌است وآنهاغلام ورعیت کسی نیستند(۲)

آتوشا

چه کرده اند که ما آنهارا دشمن میداریم ؟

پیران

آه - مگر هم آنهـا نیستند که لشگر نیرومند داریوش را شکست دادند .

آتوشا

آه چه تقدیر بدی است ازبرای لشگریان ما ؟

پیران

ملکه ایرانیان - بزودی وقایع برای توکشف خواهد شد این قاصدی است که فرستاده فرزندت خشایارشاست که خبرهـای خوب یابد برای تو اورده است ،

---

۲ - از این جملـه می توان بفرق اساسی روح دموکرات یونان وروح فرمان بردارآسیائی پی برد !

(سربازی غبارالوده وارد شده بخاك می افتد وشروع بسخن میکند)

سرباز قاصد

آه ـ شهرهای آسیا ـ آه ایران ـ تو که محل نعمت وفراوانی هستی ـ یك ضربت کوچك دیگر لازمست که افتخارات تورا پایمال کند ـ افسوس چه بدبختی است برای من که باید تمام درد ها را شرح دهم ! لشگر ایران مغلوب شد . . . !

پیران

وای چه مصیبت بزرك وچه خبر شوم حیرت آوری است ـــ ای ایرانیان شما انتظار آن را داشتید !

سرباز قاصد

تمام کشته شدند ـ خود من بر خلاف انتظار دوباره بدیدار وطن عزیز خود نایل گردیدم!

پیران

آه ـ ما مزاحل عمر درازی را پیمود یم برای اینکه همچه روز تیره را برای ایرانیان

ببینیم ؟

سرباز قاصد

با چشم خود تمام صدمائی را که بلشگریان ما وارد آمده است دیده‌ام!

ییران

وای آسمان - بیهوده صدها ملت آسیائی قوای خود را برضد یونان متحد کردند - یونان نزد خدایان عزیزاست

سرباز قاصد

سواحل سالامین و مزارع اطراف آنرا اجساد سربازان ما پوشانیده است !

ییران

آه خدایان - اجساد هموطنان ما در ان نزدیکی های افق سرخ فام خود را بلجهٔ آبهای بی رحم سپرده و یا بروی تخته پارهٔ کشتی ها افتاده اجساد انها بازیچهٔ امواج بیدل دریا شده است .

سرباز قاصد

تیر و کمان های ما نتوانست ازشمشیر های

بلند انها دفاع کند لشگر ازهم پاشیده شد وکشتی‌های ما درمقابل طوفان ثبات وپایداری را از دست دادند !

پیران

اه - فریاد های دردناك بکشیم و بتقدیر شوم ایرانیان گریه کنیم لشگر انها مغلوب گردیده است

سرباز قاصد

اه سالامین چقدر از تو بیزارم ! اه اتن که یاد کارهای تو اشك مرا جاری میکند !

پیران

اری اتن برای دشمنانش بسیار مخوف است چقدر از زنهای ایرانی انتقام همسران یافرزندان خود را ازاوخواهند خواست .

آتوسا

در زیر این بار گران پیر و شکسته شدم - همیشه وقتی که خدایان بخواهند باید تلخی روزکار راچشید بر خیز ای پیك شوم وتمام بدبختی‌هارابرای من تشریح کن . بگوچند نفر از سرداران ماهنوز

زنده اند ! ومرگ عصای مرصع چند نفررا اکنون ست شان ربوده است .

سرباز قاصد ـ تنها خشایارشا زنده است وهمه این وقایع را می‌بیند !

آتوشا

آه تو نور امیدی بقلب تیره من تابا ندی همیشه روز میدرخشد ولی بالاخره بشب تاریك منتهی میشود !

سرباز قاصد

سردار ده هزار سوار ارتمباز (۱) در روی ذخیره های بیرحم کشته شد . داذویه (۲) فرمانده هزار مرد جنگی ازکار افتاد وتنها برروی سواحل سالامین سردار معروف باختری تناگن (۳) باقی است ! زریرا (٤) وآرشاما وآرکستش (٥) هرسه برخاکهای سالامین افتاده اند ـ اذیوهی (٦) و

---

۱ — Artembares ۲ — Dadaces ۳ — Tenagan

٤ — Lilée ٥ — Argestés ٦ — Adevés

فرخ (۱) که دریك کشتی بودند مغلوب وکشته شدند

متالوس (۲) رئیس مقتدر سی هزار اسب جنگی مقتول شد وهنوز قطرات خون پاك اوبر روی پیشانی پرچین ورپش بلند ش جاریست - اهالی سارد باید برمرك بهترین سردارخود اریومرد درستکار اشك بریزند

دست مرك سیسامس (۳) سردار دویست کشتی جنگی را هم شکار کرد - اول مرد شجاع سیسیی سیه نئیس (٤) بعدازحملات زیاد وجان بازی های بیشمار مرك با افتخار را در اغوش کرفت

آتوسا

افسوس چه میشنوم ! اما تو ای سرباز قاصد بقیه حکایت خود را باصدای بلند دنبال کن ...؟

یونانیها چند کشتی داشتند وچگونه توانستند کشتی های مارا مغلوب نمایند ؟

۱—Pharnuque ۲—Motallus ۳—Sissamés
٤—Siénnéis

سرباقاصد

آنها فقط سیصد کشتی داشتند که هر ده عدد آنها تشکیل یك خط مستقیمی میدادند - اما خشایارشا بیشتر از هزار کشتی داشت! ولی یك خدای بی رحم تقدیر ایرانیان را واژگون نموده آنهارا مغلوب کرد .

آتوشا

آری خدایان برای نگداری شهر پالاس(۱) کوشش می کنند !

سرباقاصد

آتن محبوبه خدایان است ساکنین آن هیچوقت در مقابل دشمن بیم وهراس ندارند .

آتوشا

اما بگو کدام یك از طرفین اولین دفعه حمله کردند یقیناً فرزند من بود که به عده بی شمار لشکریانش اطمینان داشت ؟

---

۱ - Pallas اسم ملکه جنك یونان و خدای مخصوص شهر آتن بوده است

سرباز قاصد

آه - ملکه یك روح ناپاك ویك قوه شومی جنگ رادامن زد . یکنفر سرباز از اردوی آتنیها آمده خودرا تسلیم خشایارشانمود .وباو خبر داد که لشکریان آنن بواسطه کمی عده همیکه شب پیش بیایدبکشتی ها سوار شده فرار خواهند کرد در آخر می فهمیدکه چگونه این روح ناپاك فرزندت رافریب داده بود! خشایاشا بدون مشورت از سردارن امرداد همیکه اشعه آفتاب زمین راترك گفته وتاریکی طاق نیلگون آسمان رافرا بگیرد کشتی های ماسه ردیف تشکیل داده وتنکه ها رامسدود کنند وبقیه انهاهم جزیره اژاکس (۱) رامحاصره نمایند.

کروه و دستجات لشکر راحت کرده کشتی بانان پاروهارا کنار گذاشته بودند - افتاب اشعه خودرا جمع کرده وشب در رسیدهمه از جای برخاسته مطابق دستور وفرمان شاه بزرك هریك درجای مخصوص

---

۱ - Ajax جزیره کوچکی است در نزدیکی سالامین.

خودقرار گرفتند - ساعت ها گذشت ولی هیچ جنبش وحرکتی در کشی ها ولشکرنان یونان دیده نشد ! اماهنوز سپیده صبح ندمیده ونور آن در فضابخش نشده بود که نوای رزم در صخره‌ها پیچید ایرانیان متعجب شدندزیرا نوای رزمی آنهارا بجنك دعوت می‌نمود - یك فریادی شنیده شد

در یك وقت پاروها بحرکت درآمده کشتیهای یونان امواج را درهم شکافته بما نزدیك شدند جناح راست آنهارا کشتی ها تشکیل داده قشون هم درخط ساحل پیش می آمد هزاران صدا شنیده میشد که بایك آهنك می گفتند : « فرزندان یونان- بروید و وطن را نجات دهید - زنهای خودرا محافظت کنید - معابد خدایان وقبرهای اجدادونیاکان خود را نگهداری نمائید - زیرا برای آنهاست که شما شربت مرك را خواهید چشید » .

دیگر وقت باقی نبود - یك کشتی یونانی به کشتی های فینیقی که پیش آهنك ما بودند حمله کرد

وبزودی جنگ دریا شروع شد . کشتی های مابیش
نمیرفتند ولشکریان مردانه می کوشیدند ولی ازیکه
طرف بواسطه زیادی عده و از طرفی بواسطه تنگی
راه کشتی های ما بسختی افتاده درمیان تنگه هابهم
فشرده شدند یونانیهای دریانورد همه راه های بحری
را می‌شناختند و خودرا از هدف کشتی های ما دور
می کردند طولی نکشید سطح دریا را تخته پاره
های کشتی پوشانید صخره ها و سواحل از اجساد
سربازان مستور گردید وبالاخره ستارگان شب مارا
بچشم مغلوبین نگاه کردند.

آتوسا

آه آسمان چه طوفان بد بختی است که ایرانیان
ونژاد بار بار را گرفته است .

سرباز قاصد

ملکه ایرانیان ـ توهنوز نصف آنچه‌را من میدانم
نشنیده‌ئی ـ اگر بشنوی بیش ازاین متأثر خواهی شد

آتوسا

آه مگر بد بختی بیش ازاین هم ممکن است .

سرباز قاصد

خشایارشالشکریان خودرا به‌جزیرهٔ سالامین فرستاد همان جزیرهٔ که پان (۱) خدای دوستدار رقص آنرا حفظ می‌کند - ولی یونانیان پس از فتح در دریا آن‌جزیره را محاصره کرده واطراف آنرا سنگ ریز نموده همه‌سربازان مارا باکمال‌بی‌رحمی کشته بودند - خشایارشا بربالای‌تپه ایستاده و این وقایع را می‌دید فریادی زده جامه برتن درید وبه لشکریان خود فرمان عقب نشینی داد !

آتوسا

آه بخت دشمن - چگونه‌فرزندم را فریب‌دادی انتقام ازتو برای فرزندم خیلی گران قیمت بود انقدر از سربازان ما که درجنگ مارا تن بخاك

---

۱ - Pan پسرهرمس hermes وخدای محافظ کله‌ها وطبیعت بوده واورا خدای دوستدار رقص می دانسته اند Hermes هم همان پیغام برخدایان وخدای تجارت ودزدها بوده است

تو غلطیدند کافی نبود! ...! اما بگوکشتی هائی
که از این مهلکه خلاص شدند کجا رفتند ؟

سرباز قاصد

اغلب از آنها را باد وطوفان باطراف پرا کنده
نمود - از لشکریان بری یکدسته بواسطه تشنگی
از میان رفتند بقیه قشون از دربد (۱) و ولایات
مجاور ساحل گذشته دیرتسالی [۲] عده‌هم بواسطه
کمی آذوقه تلف شدند بعداز مقدونیه ومعبر کوه
پانژه (۳) و هدنی (٤) عبور کردند - در انجا هوا
فوق العاده سرد بود وآبهای نهر استریمن (٥) یخ
بسته بود ولی همینکه لشکر ازروی یخ های نهر شروع
بحرکت کردند - هنوز شب باقی بود و قسمتی
ازلشکریان بانطرف نهر رسیده بودند ولی همینکه

---

۱ - Doride ۲ - Thessalie قسمتی از خاك یونان
مجاور ساحل شرقی . ۳ - ٤ - Pangée
Hédonie کوهائی است جزء رشته تروس (بزداغ حالیه)
- ٥ - Strymon

اشعه آفتاب حرارت خودرا به سطح تن فرستاد یخ ها از هم پاشیده شده نیمه دیگر از لشگریان در آب فرو رفتند ... !

آتوشا

آه آتوشای بیچاره - چه وقایع شومی رامیشنوی ! وشمانیز ای پیران باوفا که آنهارا شنیدید مرا تسلی دهید - من میروم که خدایان رابا ایرانیان همراه کنم میروم در قصر خود تاهدایائی برای زمین وارواح فراهم نمایم . شاید این تقدیر شوم پایدار نماند! امروز است که شما باید امتحان وفاداری خودرا بدهید باسخنان نرم وملایم فرزندم را تسلی بخشید اگر او قبل از برگشتن من رسید باستقبالش بشتابید - مواظب باشید در حالت یاس ونومیدی بربد بختی و دردهای ما نیفزایید ! .

پیران

آه خدای ژوپیتر تو امروز لشکر نیرومند وبیشمار ایرانیان رامغلوب کردی وشهر شوش واکتابان را

در شب تیره وتاریك عزا فرو بردی ! آسیامی غرد از اینکه خشایارشا فرزندان اورا همراه برده وبدست مرك سپرد ؛ وبی احتیاطانه به کشتی های بی ثبات خود اطمینان نموده است !

امروز دیگر بچه درد ما میخورد که داریوش شاهنشاه معبود شوش واکباتان مدت مدیدی بااقتخار وشرافت درآسیا شاهی کرده است !

سربازان وملاحان باکشتی هائی که دارای پرده سیاه هستند باامواج دریا روبرو شده وخدایان وآسمان یونان انهارا بدست یونانیان بی رحم سپرده اند . شاه بزرك ما بزحمت از خطر مرك رهائی یافت و از کوه‌ها و دشت های پر از برف تراکیا (۱) عبور کرده است .

آه چقدر اجساد لشکریان ما که بازیچه امواج دریا

---

۱ ـ Thrace (تراکیا) قسمتی از یونان بوده که امروز تشکیل بلغاری ورومیلی رامی دهد

شده اند ویا بروی سواحل افتاده آسمان برانهااشک میبارد ! ای آسیاقلب خودرا بشکاف تانالهٔ دلخراش تورا آسمانها بشنوند

افسوس برجوانهای رشیدی که بی حرکت برسطح دریای شور افتاده اند ! یقیناً بعداز این تامدتی ملل آسیائی بایران اطاعت نخواهندکرد وتخت وتاج پر از افتخار اورا پرستش نخواهندنمود اقتدار شاهان وقوه حکومت مرکزی ماضعیف شده عصیانها روی خواهد داد - وقتی که آسیااز قید اطاعت شاهان ماخارج شد زبان قوم هم دیگر منتشر نخواهد گردید - زیرا از جوانان رشید وغیورما جزاندکی باقی نمانده است و همه باخون پاك خود شیارهای جزیرهٔ سالامین راسیراب نموده اند .

آتوشا

دوستان عزیز ! این تجربیات تلخ وباگوار بمافهمانید که مرد باداشتن لشگریان بیشمار و قوای زیاد بازهم نمی تواند باقبال و طالع خویش اطمینان

داشته باشد زیرا طوفان بدبختی همه چیز را از دست او خواهد گرفت ! من تمام خدایان را مخالف می دیدم یك الهام قلبی این حقیقت ناگوار را بمن فهمانید ! من از قصر خود بدون عرابه مجلل بیرون آمدم واینك برای پدر خشایارشا این هدایای پاك را تهیه کرده‌ام :

این شیر پاك سفیدی که از پستان گوساله بی گناهی تراویش کرده است ! این عسل مقدس قابل پرستیدنی را که یکدسته کارگران کوچك زحمت کش در طلوع فجر از گلهای لطیف مکیده اند ! این آب خالصی که از یك چشمه دست نخوردهٔ کشیده شده است ! این ادویه وشراب خوشبو ولذیذی که دست یك مادر حق شناس از چند خوشه انگور بسیار قدیم تهیه نموده . این زیتون خرمائی رنك معطر از درختی چیده شده است که در تمام عمر برگهای خود را پژمرده نکرده بدست بادبی رحم نمی سپارد ـ بالاخره این گلهای خوشرنك نژادگان یك زمین حاصلخیز !

دوستان باوفا ـ تقدیس و پرستش شما باروح باید
با این هدایای مقدس توام باشد !

پیران

ملکه محترم ایرانیان ـ بگذار تااین هدایا برزمین
جاری شود ـ مادرعبادت خود ازخدایان ارواح در
خواست می کنیم که درظلمت وسکوت بی حد و
انتهای خود مارا رهبری نمایند !

دوزخ ! ای محافظین مقدس وتوای خدای بزرگ
ارواح ـ روح داریوش را برمامجسم کن شاید او
چاره بدردهای ما بکند ـ اوخود می شنود ـ این شاهی
که یادگار او ابدی است شاهزاده ئی برابر با خدایان
است ـ صدای ما که دراعماق زمین طنین انداز
میشود برای اودردناک وغم انگیز است واو بقینادر
مسکن تاریک خود بسخنان ما گوش میدهد !

آه زمین ـ آه ای شاهزادگان ارواح ـ باین
روح با افتخار ـ باین معبود و پرستیده شوش و اکباتان

روح داریوس

من از گریه‌های شما متأثر شده از عالم تاریك خود بیرون آمدم این مکالمه را تفصیل ندهید ـ این احترامات بیهوده را کنار بگذارید و وقایع را شرح دهید!

پیران

زبان ما از شرح وقایع عاجز است زیرا شنیدن این وقایع برای تو خوفناك است!

روح داریوش

حال که ترس آنها را فرا گرفته است تو ای همخوابه نجیب من ـ اشك و آه را کنار بگذار و حرف بزن طالع متعلق بمرد است باید با امواج دریا ستیزه کند قطعات دور ودراز را طی نماید زیرا معنی زندگانی همین است!

آتوسا

آه ـ کسی که از تمام مردگان خوشبخت تری ـ چقدر روزهای خوش بر تو گذشت ودر کمال اقتدار وشوکت زندگانی کردی ـ تو خدا ومعبود ایرانیان بودی ـ اما امروز نمی توانم تورا به بینم زیرا تو از مشاهده بد بختی ها متأثر خواهی شد ـ منهم

بیش از یک کلمه نمیتوانم بگویم : اقتدار ما میخواهد از دست برود !

روح داریوش

چرا ؟ بواسطه ناخوشی یا جنگهای زیاد اقتدار ایران ضعیف گردیده؟

آتوسا

نه ! لشکریان ما در نزدیکی آتن مغلوب شده اند!

روح داریوش

کدام یک از فرزندان من باین جنگ اقدام کرده است!

آتوسا

خشایارشا با بی احتیاطی اینکار را کرده و تمام قطعات را ازسکنه خالی نموده است .

روح داریوش

از راه دریا حمله کرده است یا ازخشکی؟

آتوسا

هم از دریا وهم ازخشکی !

روح داریوش

اما لشکر ایران با این عده بی شمار چگونه ازدریا گذشته است !

آتوسا

آنهـا پلی بروی دریا انداخته وخودرابسرزمین یونان رسانیده اند.

روح داریوش

بالاخره چه‌حزن و اندوهی است که اشکهای پاک تورا جاری ساخته است ؟

آتوسا

لشکردریائی شکست خورده و قشون بری نیز مغلوب گردیده ؟

روح داریوش

چگونه این قشون بیشمار از آهن‌پاره ای‌یونانیان شکست خورده است ؟

آتوسا

افسوس تقدیرهمیشه حاکم است! تمام‌اهالی‌رشید باختری کشته شده‌اند !

روح داریوش

افسوس که باختری جوانهای خودرا از دست داده!

آتوسا تنها خشایارشا زنده است و بس !

روح داریوش

اودیگر چه امیدی دارد ؟

آتوشا

اگر پلی که بر روی دریا انداخته‌اند باقی نمانده بود اونیز کشته میشد !

روح داریوش

آه - آتوشای عزیز تقدیر همیشه عوض میشود ! من از خدایان درخواست کرده بودم که برای ملت من طالع نیك نصیب کنند - اما فرزندم دور از اندیشه رفتار کرد و آنها نیز تقدیر خود را تغییر دادند ! او خواسته است دریای مقدس هله (۱) را تسخیر نماید وبدریای بسفر که آب آنرا خدایان جاری میسازند تازیانه زده تا آن را مطیع خود کند - امااین اعمال وکردار او بنتون (۲) وخدایان دیگررا خشمگین

---

۱ — Hellé همان دریای داردانل است

۲ — Neptune خدای دریا ومنزل‌اوقصری است دراعماق دریاها.

نموده ـ من میترسم گنجهائی که با هزاران زحمت در مدت سلطنت خود فراهم نموده ام برای ترمیم این بدبختی کافی نباشد.

آتوشا

اما خشایارشا خود نیز تقصیری نداشت و کسان دیگر اورا بجنك واداشتند ـ خائنین وطن و آنهائیکه دارای روح پلید هستند باو گفتند : [داریوش آنهمه جنك کرد وبرای تو گنجهای فراوان وممالك وسیعه باقی گذاشت ـ تو در قصر خود آرمیده ولیاقتی بروز نمیدهی باید این مملکت پهناوری را که بتو رسیده است توسعه داده تمام آفاق را مطیع ودست نشانده خود نمائی] . همین سخنان اورا بجنك با یونان وادار نمود .

روح داریوش

آری این یادکار شومی است برای ملتی که ثروبیر اقتدار وشوکت را نصیب او کرده و در

یك دنیای وسیع و جمعیت بی شماری سلطنت می کنند !

مدوس (۱) اول کسی بود که برلشگرایران حکومت کرد ـ فرزندش جانشین او شداودارای عقل و کیاست وقوه اراده بود وبراقتدار ایران افزود ـ سیروس بسلطنت رسید صلح و امنیت را در تمام آسیای خاصلخیز منتشرساخت ممالك لیدی و فریژی (۲) را متصرف شد یونانیان را خراج گذار خود نمود ـ اما هیچوقت بر خلاف میل خدایان رفتار نکرد ـ فرزند سیروس شاه شد بعد ازاو بردیا (۳) حاکم مملکت گردید دارای عقل واراده نبود ومایه ننگ تاج وتخت

---

۱ — Mèdus (گویا نام یکی ازسلاطین مدی باشد) ۲ — Phrygie یکی از قسمت های شمال غربی آسیای صغیر و از بهترین ساتراپی های خاصلخیز ایران بوده است .

۳ — بردیا نام پسر کوروش است.

مملکت و رسوائی ایرانیان شد اما ارتافرین [۱] هوشیار بارفقای خود اورا در قصر سلطنتی کشتند وبعد آرتافرین جانشین اوشد .

بالاخره من شاه شدم اغلب لشگر های بی شمـار بجنگهای مهمفرستادم ولی هیچوقت عقل وتدبیر را ازدست نداده بدبختی برای ملت خود فراهم ننمودم !

امروزفرزند جوانم خشایارشا بواسطه شور وهیجان جوانی نصایح مرا زیر پا گذاشت ـاما یقین داشته باشید که من و تمام سلاطین گذشته برای ایران امروز بقدر فرزندم خشایارشا ارزش نداریم !

ییران

آه ـ شاهنشاه بزرك ـ چه بایدکرد !چگونه ممکن است دوباره اقتدار و شوکت قدیم رلم دارا شویم ؟

---

۱ ـ Artaphrénés اسم برادرداریوش است

روح داریوش

اگر قصد تسخیر یونان را نکنید دوباره دارای لشگر بی شمار خواهید شد - سرزمین یونان خود برضد دشمنانش میجنگد.

ییران

آه چگونه این سرزمین بر ضد دشمنان خود دفاع می‌کند ؟

روح داریوش

تعجب نکنید قحطی و گرسنگی سرزمین یونان برای دشمنانش مخوف است

ییران

آیا ممکن است لشکر آزمودهٔ بدا نجا روانه نمود تا این مغلوبیت را تلافی کنند.

روح داریوش

آه - هنوز برای کسانیکه درخاک یونان مانده اند راه برگشتی نیست ؟

ییران

چطور - مگر هنوز قشون ایران از تنگه

هله عبور نکرده است ؟

روح داریوش

اگر هم عبور کرده باشد راه‌دوروم‌شکلات بسیار از عده آنها خواهد کاست - اما فرزندم هنوز مغرور است ویقینا یکعده از قشون را در یونان باقی گذارده است - این لشگر بر خلاف میل خدایان رفتار کرده قصرها و معابدرا آتش زده مجسمه ها را کنده بدریا ریخته است من میدانم که هنوز خدایان یونان انتقام خودرا تمام نکرده اند - میبینم که دردشت پلاته (۱) خون جوانان ما هنوز جاری‌است !

بدانیدکه‌همیشه غرور ولخوت انسانهای فانی‌را به افراط کاری وادار می کندجسارت وبی‌رحمی تخم بدبختی رادر سینه آنها می کارد وجز قطرات اشك ندامت وحسرت حاصلی از آن بر نمیدارند! چنانکه

---

۱ — Platée دشت پلاته در مرکز یونان واقع است.

دیدید جسارت بخدایان یونان و آتن چه بدبختی برای شما فراهم کرد. فرزندم اقتدار و شوکت خودرا برای تسخیر یك قطعه کوچك دور از آسیا ازدست داد! ای پیران عزیزی که دارای عقل وتدبیر هستید فرزندم را عالم کنید وبانصایح نیك خود اتش غرورو نخوت جوانی اورا خاموش سازید وتو ای مادرپیر خشایارشا برو در قصرخود ولباس فاخری اوبرای فرزند یگانه ات فراهم ساز که آن بیچاره را درحالت یاس ونومیدی لباس شاهی برتن پاره گشته. بااو بملایمت سخن گو ودلش نیازار. میدانم که این بار بگفته های تو گوش خواهد داد زیرا که او فقط سخنان تورا می شنود واز نوازش مادرانه تو تسلی می یابد.

امامن درباره بقصر تاریك خود برمیگردم خدا نگهدار پیران عزیز باهمه این بدبختی هاتاروز هست دل نبازیدو خودرابرای تلافی وترمیم حاضرسازید. آنهائی که مرده اند از حرص جهانگیری آسوده اند .....!

(روح داریوش کم کم در تاریکی از نظرها محو میشود)

آتوسا

آه تقدیر شوم من نمی توانم فرزندم را به بینم که بالباس های پاره وارد میشود بروم بگفته های داریوش عمل نمایم !

پیران

آه خدایان بزرگ شما اقتدار و شوکت را بما بخشیدید ـ داریوش معبود ما همیشه با افتخار و شرافت در این سرزمین سلطنت کرد ـ قوانین را در مملکت اجرا نمود ـ در هیچ جنگی مغلوب نشد

او در قصر خود بامور مملکتی میپرداخت ولشگریانش شهر ها و بلاد را فتح میکردند .در زمان او شهر های قطعة تراکیا مطیع شدند ـــ ساکنین سواحل دریای هله ودهانه های پرپیچ و خم پرپنتید [۱] وجزایر سواحل آسیا مانند لسبس [۲] وسامس [۳] همه اورا می پرستیدند

---

۱ ـــ Propontide همان مرمره امروز است

۲ — Lesbos ۳ — Samos

او با قوه عقل وتدبیر جزایر ایکار [۱] ولمنس (۲) وردس (۳) را تسخیر نمود او سالامین را باطاعت واداشت ـ همان سالامینی که امروزاشك های ما را جاری ساخته است ـ با عزم و اراده شهر های پرجمعیت یونان را تحت اطاعت در آورد و .....!

(خشایارشا با حالت مضطرب وقیافهٔ پریشان وارد میشود وپیران سخن را قطع میکنند)

خشایارشا

افسوس ـ در برابر این پیران محترم زانو های من ازبار گران خجلت و شرمساری می لرزد آه ژوپیتر توسربازان مرا بدست بیرحم

---

۱ — icare ۲ Lemnos — ۳ Rhodes —

(کلیه جزایر فوق در ساحل بری آسیای صغیر ودریای اژه یا بحرالجزایر واقع شده اند ودر آنزمان تحت اطاعت داریوش اول هخامنشی بوده و مالیات می می دادند .

مرگ سپردی !

پیران

آه پادشاه ـ چه شدند لشکریان تو ! کجا هستند سربازان شجاعی که حافظ افتخار مملکت وتخت وتاج داریوش بودند . سرزمین ایران آنهارا از تو میخواهد ـ تو همه گلهای آسیا را بباد خزان مرگ پژمرده کردی !

خشایارشا

آری من آن شاهزاده بدبختم که برازنده تخت وتاج باعظمت ایران نیستم !

پیران

پادشاه ما ـ تو ناله‌ای درد ناك ملت ونغمه غم انگیز ماریاند (۱) راشنیده متاثر خواهی شد .

---

۱ ـ نغمه ماریاند Mariande دسته‌از اهالی بی‌تی نی Bithynie ولایت واقعه در آسیای صغیر دارای لحن مخصوصی بوده‌اندفوق‌العاده‌محزون وتأثر آور و لحن ماریاند منسوب بانهاست که در مواقع عزا برای تحریك حزن واونده‌خوانده میشده است .

خشایارشا

آری - بخت واقبال بامن درجنك است شمااز اشگهای پاك خود داری نکنید .

پیران

شاه بزرك - ما تورامحترم میداریم ولی فریاد دلخراش خودرا بگوش تومیرسانیم - قطعات آسیا فرزندان خودرا از تومی خواهند !

خشایارشا

این فریادهای دلخراش صغیر بدبختی است که بگوش من میرسد ومن خود همه رامیدانم .

پیران

رفقای وفادار - ساتراپ های نیکوکار توچه شدند - فروناد وپلاگن شوشی(۱) وهگد آبادی(۲) ردادمیاس (۳) این همراهان شجاع وغیور ایرانی کجاهستند ؟

خشایارشا

آنهاخون پاك خودرا نثار کردند .

۱- Pélagon ۲- Agdabatés ۳- Datamas

پیران

فرخ وشاهزادهٔ جوان زریرا چه‌شدند؟

خشایارشا

حرص جهانگیری من آنهارا بدست مرگ سپرد اما پیران عزیز شما از ایرانیان ورفقای وفادار من یاد آوری من کنید وبر تاثر من می افزائید - حس رحم وشفقت قلب مرا متزلزل می نماید ... !

تنها آنچه برای من باقی است همین تیر و کمانی است که در دست دارم ... ! لشگریان من مغلوب شدند از یاس ونومیدی جامه بر تن دریدم !

پیران

افسوس - ماغرش می کنیم وبر بدبختی ها می گریم

خشایارشا

نوای میزی (۱) را تکرار کنید !

---

۱ - Mysien - این نواولحنی موسیقی نیز مخصوصی اهالی میزی Mysie است که خیلی شوم وتاثر آور بوده است

ییران

آه - پادشاه بزرك ماترا غمخواری کرده در حزن
واندوه معاونت می نمائیم وبنوای میزی گوش میدهیم

خاتمه